

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان

لوله و لویان

ماش! ای گوله تزویر ، بمیدان تا کی؟
رقص ، بر ساز ستمکاره دوران تا کی؟
سینه صدق مرا ، تخمه نفرت کشتی
حاصلم سوختی و نقض به پیمان تا کی؟
سالها ما و تو در دیگ وفا جوشیدیم
حیف ، نا پخته زهم گشته گریزان تا کی؟
مکر اغیار ، چه سان ریشه تفریق دواند
به کھی ، باختن لؤلؤ و مرجان تا کی؟
ناکسی کس نشود ، زحمت بیهوده چرا
به تن هر خری ، دوزیدن پالان تا کی؟
به جنوب و به شمال و گهی شرق و گهی غرب
بی سبب هر طرفی ، لوله و لویان تا کی؟
گهی از راست کند جلوه ، گهی عشوه زچپ
از پس و پیش ، سر و کله بجنابان تا کی؟
گهی از ده ، سخن گفتن و گاهی ز درخت
زاغ در باغ ، غزلخوان و خرامان تا کی؟
ز غنی خواست خرامد به چمن ، چون کبکی

رفتنش یاد خودش رفته و، لنگان تا کی؟
وا، ز قریباغه ، که تقلید کند از ماری
لَخکش درزی و ، بشکسته و ، لرزان تا کی؟
ماش! در دیگ بقا پخته اگر می نشوی
زیر دندان فناء ، میده و پاشان تا کی؟
ماش! در خوان ادب ، شله شدن فخر تراست
پیش پای رفقا ، مستی و لولان تا کی؟
ماش! گر دال شوی ، سخت ازان میترسم
به لباس دگری ، جلوه به هرآن تا کی؟
ماش! ای حامله از نطفه تدلیس و ریا
ماه یک مرتبه ، بی قابله زایان تا کی؟
ماش! ای کاش ، چو بزغاله ترا ریشی بود
قیمت پشم بلند میشد و ، ارزان تا کی؟
ماش! ای کاش ترا ، زلف چلیپای بود
شانه بر گیسوی هر طالب نادان تا کی
ماش! دیگر نبود ، با تو سر و کار مرا
خرمن هستییم از جور تو سوزان تا کی؟
ماش بامان خدا ، میروم از شهر شما
جگرم پاره و پرخون شد و بریان تا کی؟
ماش! منبعد ، تراراهی و ماراراهی
آتش و آب ، به یک دیگ ، دلنگان تا کی؟
«نعمتا» ماش میز آش ، به هر داش که فاش
لاش تو قاش ، ز پرخاش حریفان تا کی؟
